



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



زندگانی تحلیلی بختتو ایان ما

انچه دواژده کانه
تکلیف استغفار عاقل اربیب
نورینه و غمراسته لاله چینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگانی تحلیلی پیشوایان ما : حضرت امام صادق علیه السلام

نویسنده:

عادل ادیب

ناشر چاپی:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	زندگانی تحلیلی پیشوایان ما ائمه دوازده‌گانه علیهم السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	امام جعفر بن محمد صادق
۶	امت اسلام در عصر امام صادق
۷	اختیار و برنامه‌ریزی
۹	عناصر رستگاری جنبش
۹	امام صادق در برنامه‌ی اصلاحی
۱۰	روش بنیادی
۱۳	امام و رد پیشنهادهای نظامی
۱۵	پاورقی
۱۶	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

زندگانی تحلیلی پیشوایان ما ائمه دوازده‌گانه علیهم السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: ادیب، عادل

عنوان قراردادی: الائمه الاثنا عشر (ع) در اسه تحلیله. فارسی

عنوان و نام پدیدآور: زندگانی تحلیلی پیشوایان ما ائمه دوازده‌گانه (ع) / تالیف عادل ادیب؛ ترجمه اسدالله مبشری.

مشخصات نشر: تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: نه، ۲۳۴ص.

شابک: ۱۸۰۰۰ ریال (چاپ بیست و دوم)؛ ۲۵۰۰۰ ریال (چاپ بیست و سوم)؛ ۳۶۰۰۰ ریال (چاپ بیست و پنجم)؛ ۲۶۰۰۰ ریال

۹۷۸-۹۶۴-۴۷۶-۱۷۳-۷

وضعیت فهرست نویسی: فاپا (چاپ بیست و چهارم)

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Adel Adib. The biography of our leaders ...

یادداشت: چاپ بیست و دوم: ۱۳۸۶.

یادداشت: چاپ بیست و سوم: ۱۳۸۷.

یادداشت: چاپ بیست و چهارم.

یادداشت: چاپ بیست و پنجم: ۱۳۸۹.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: ائمه اثنا عشر

موضوع: امامت

شناسه افزوده: مبشری، اسدالله، ۱۲۸۸ - ۱۳۶۹، مترجم

شناسه افزوده: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

رده بندی کنگره: BP۳۶/۵/الف۴الف۹۰۴۱ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۷۵۵۱۳

امام جعفر بن محمد صادق

برای این که عوامل مستقیم و غیر مستقیم روش امام صادق (ع) را در برنامه‌ریزی معلوم کنیم و طریقه‌ی او را در کار دعوت ادراک نمائیم، بر ما است که - و لو به شکل کلی - به شرایط و اوضاع اجتماعی عمومی امت در عصر او احاطه یابیم و واقعیت حکام را در آن روزگار بدانیم و موقعیت امام (ع) را در صورت خاص بشناسیم و موضعی را که در آن برنامه‌ریزی می‌کرد درک کنیم و از خلال این وضع اجتماعی و درگیری‌ها و مشکلات که ابعاد حرکات امام (ع) را به ما ارائه می‌دهد و کارهای او را بیان می‌کند، آگاهانه تاریخ او را استنباط کنیم و حکمتی که ورای انتخاب راه او وجود داشته و روشی مخصوص را برگزیده است بیابیم.

امت اسلام در عصر امام صادق

امت در مظاهر فساد و دوری فکری و عقیدتی در حیات اسلامی غوطه‌ور بود و امام (ع) در همه‌ی زمینه‌های زندگانی سیاسی و اجتماعی و اخلاقی و غیره، این مسأله را بیان می‌فرمود. [صفحه ۱۸۲] پس، از دیدگاه نظری و عملی در افکار و روش مردم، عقیده‌ای واضح و دارای خطوط کلی وجود نداشت و آن نتیجه‌ی گسترش عباسیان جدید بود که مردم را در فساد و تباهی غرق کرده بودند و این کار با تزویر و از طریق جعل حدیث و فتاوی به رأی بود. آنان در قوانین اسلامی عناصر بیگانه از مصادر تشریحی مانند قیاس و استحسان... را داخل کرده و به این طریق آن را محو نموده بودند و خصوصیت و اصالت اسلامی تشریح را از میان برده بودند. کوشش‌های زمامداران، غالیان و صوفیان را دلیر کرده بود... و نتیجه این شد که حرکات غریب به ظهور می‌پیوست و مبادی فاسد پدید می‌آمد و برای امت، اوضاع عمومی و شرایطی را آماده ساخت و آن را در زمان امام (ع) در همه جا پراکند تا جائی که برای اسلام تشریحی و عقیدتی خطری عظیم گردید. به علاوه در داخل امت کشمکش‌های سیاسی و مذهبی شدید پیدا شد به طوری که امت فرصت نمی‌یافت تا واقعیت اسلام را دریابد یا آن را زنده نگاه دارد. پس، امام صادق (ع) ناچار بود با همه‌ی آن تناقضات و امواج منحرف و مخالف که امت در شرایط و اوضاع آن می‌زیست و هستی اسلام را تهدید می‌کرد روبرو گردد. امام (ع) با دو گونه انحراف مواجه بود: انحراف در سطح سیاسی که در هیأت حاکمه و دولت وقت مجسم شده بود و انحراف خطرناکی که در امت و نادانی او از واقعیت مکتب بود. اینک پرسش ما این است که امام ما (ع) چگونه برنامه‌ای تعیین می‌کرد و چگونه همه‌ی آن اوضاع و شرایط را که به کمال پیچیدگی رسیده بود درمان فرمود؟ در حالی که فرمانروایان روزگار، شدیداً مراقب او بودند و با دقت بسیار او را تعقیب می‌کردند. [صفحه ۱۸۳]

اختیار و برنامه‌ریزی

زان پس که امام (ع) واقعیت امت را از لحاظ فکری و عملی فهمید و شرایط سیاسی و محیط را دانست و واقعیت سیاسی را که امت در آن می‌زیست و قدرت و امکانات او را که می‌توانست با آن روبرو شود و مبارزه‌ی سیاسی را آغاز کند، شناخت، قیام به شمشیر و پیروزی مسلحانه و فوری را برای برپا داشتن حکومت اسلامی کافی ندید. چه، برپای داشتن حکومت و نفوذ آن در امت، به مجرد آماده کردن قوا برای حمله‌ی نظامی وابسته نبود. بلکه پیش از آن بایستی سپاهی عقیدتی تهیه می‌شد که به امام و عصمت او ایمان مطلق داشته باشد و هدف‌های بزرگ او را ادراک کند و در زمینه‌ی حکومت، از برنامه‌ی او پشتیبانی کرده و دست آوردهائی را که برای امت حاصل می‌گردید پاسبانی نماید [۱]. گفتگوی امام صادق (ع) با یکی از اصحاب خود مضمون گفته‌ی ما را آشکار می‌سازد. از سدیر صیرفی روایت است که گفت: «بر امام (ع) وارد شدم و گفتم خدای را چه نشسته‌ای. گفت: ای سدیر چه اتفاق افتاده است؟ گفتم: از فراوانی دوستان و شیعیان و یاران سخنی می‌گویم. گفت: فکر می‌کنی چند تن باشند؟ گفتم: یکصد هزار. گفت: یکصد هزار؟ گفتم: آری و شاید دویست هزار. گفت: دویست هزار؟ [صفحه ۱۸۴] گفتم: آری و شاید نیمی از جهان. صیرفی سخن را چنین ادامه داد که: آن گاه خاموش گردید. و چون همراه با صیرفی به سوی «ینبع» رفتند و امام (ع) به گله‌ی بزها نگریست او را گفت: ای سریر، اگر شیعیان ما به تعداد این بزها رسیده بودند بر جای نمی‌نشستم» [۲]. از این احادیث چنین نتیجه می‌گیریم که امام (ع) به این امر ایمان داشت که تنها در دست گرفتن حکومت کافی نیست و مادام که حکومت از طرف پایگاه‌های آگاه مردمی، پشتیبانی نشود، برنامه‌ی دگرگون سازی و اصلاح اسلامی محقق نمی‌گردد. نیز باید پایگاه‌های مزبور، هدف‌های آن حکومت را بدانند و به نظریه‌های آن ایمان داشته باشند و در راه پشتیبانی آن گام بردارند و موضع‌های آن حکومت را برای توده‌های مردم تفسیر کنند و در مقابل گردهادهای حوادث پایداری و ایستادگی به خرج دهند. در برابر این واقعیت، ناچار باید برنامه‌ای سریع تنظیم کرد که دو هدف را تعقیب کند. اول- عمل به منظور بنیاد کردن این پایگاه‌های مردمی و تسلط بر آن و تنظیم روش‌های عملی آن وقتی که با انحراف روبرو گردند و «توده‌ی رابطی که دارای روش‌های مخصوص در نظام کار باشد» برای

آن ایجاد کنند. بنابراین، بنای پایگاه مردمی متین و استوار که دارای روش‌های منظمی باشد، پایگاهی است که برای امام و برای نهضت این جهانی به منظور در دست گرفتن حکومت، صالح باشد. دوم- عمل به این منظور که وجدان امت اسلامی و اراده‌ی او را به جنبش درآورد و ضمیر اسلامی و اراده‌ی اسلامی را به درجه‌ای حفظ کند که امت را در برابر تنازل مطلق باز شخصیت و کرامت او در مقابل زمامداران منحرف [صفحه ۱۸۵] محفوظ نگاه دارد. این مطلب را به تفصیل بیان خواهیم کرد. «امام (ع) از عهده‌دار شدن قیام مسلحانه به صورت مستقیم بر ضد فرمانروایان منحرف دوری جست. این عمل تعبیری از اختلاف در شکل عمل سیاسی بود که مرز آن را شرایط اجتماعی تعیین می‌کرد و نیز عبارت بود از ادراک عمیق از طبیعت دگرگون‌سازی و چگونگی محقق گردانیدن آن» [۳]. از گفتگوی امام صادق در می‌یابیم که اگر امام می‌توانست به یاری دهندگان و به قدرتی تکیه کند که پس از عمل مسلحانه هدفهای اسلام را تحقق بخشد، پیوسته آمادگی داشت که به قیام مسلحانه دست زند. اما اوضاع و احوال و شرایط زمان مجال نمی‌داد که امام (ع) حتی اندیشه‌ی این موضوع را در سر پیوراند که با سیاست حاکم روز وارد کشمکش گردد زیرا این کار، امری بود که اگر هم قطعا با شکست روبرو نمی‌شد، باز هم نتایج آن تضمین شده نبود. به عبارت دیگر، با آن شرایط موجود اگر هم شکست نمی‌خورد، نتیجه‌ی مثبت قیام، مسلم نبود. از این رو امام (ع) از پذیرفتن آن خودداری کرد و در این صدد بر نیامد که با قوه‌ی نظامی، واژگون ساختن حکومت را هدف خود قرار دهد، لذا با پیشنهاد حمله‌ی نظامی که هدف آن واژگون ساختن حکومت بود مخالفت ورزید و ما از این موضوع به تفصیل سخن خواهیم گفت. به هر حال بنا به آن چه که گفتیم، رأی امام (ع) این بود که از نظر شخصی و در صورت کلی از عهده‌دار شدن مبارزه‌جویی سیاسی منصرف گردد تا در داخل امت دست به سازماندهی زند و پایگاه‌های مردمی آگاه را در آن جا بنیاد گذارد تا برای انتشار افکار خود و پراکندن مقدمات افکار خویش، ابزار تنظیمی داشته باشد و بتواند نیروی فکری مردم را آماده سازد و پیشتازان با ایمان [صفحه ۱۸۶] فراهم آورد تا برای اقامه‌ی حکم الهی در روی زمین، یا دست کم به منظور ابقای اساس‌های نظری که نمودارهای آن نزد امت محفوظ بود با قناعت و ایمان حرکت کند و راه را ادامه دهد. یا به عبارت دیگر، برای این که پایگاه‌های مردمی خود را بسازد و به سازماندهی آگاهانه عمل کند تا آن پایگاه‌ها برای نشر افکار او و آماده کردن قدرت فکری، با خشنودی و رضا، حکومت الهی را در روی زمین تشکیل دهد و راه امام را پیوید تا حکومت «الله» برقرار شود یا دست کم عقاید نظری و نمودارهای آن نزد امت محفوظ بماند. برای امام اهمیتی نداشت که موفق نشود که در این زمینه نتیجه‌ی کوشش خود را مشاهده کند. همانا نیاکان او در عمل، به امت مژده داده بودند که روزی از روزها دولت آنان ظاهر خواهد شد. اما در صورتی که اصول نظریه‌ی اسلام نزد امت محفوظ مانده باشد. جامعه‌ی امام (ع) در برنامه‌ریزی اصلاحی خود برای بناسازی جامعه‌ی اسلامی با دو دشواری اساسی روبرو گردید و بر او بود تا آن دو را دو موضع مهم به حساب آورد: ۱- واقعیت فاسد و وضع اجتماعی و اخلاقی بی‌بند و بار که واقعیت اسلام و تشریعات آن را به عقب ماندگی گرفتار کرده بود که خطرناک می‌نمود. چنان که مثلاً همه‌ی مقدمات ویرانی در شکل جنبش‌های فکری از قبیل جنبش زندیقان با فعالیت و سرعت به حرکت درآمده بود. «بنی‌عباس زندیقان را پیرامون خود گرد آورده بودند و آنان را نپراکنند مگر بعدها...» [۴] «بسیاری از دعوت‌های کفرآمیز به نام مانوی و مزدکی و خرمی و زردشتی به سرعت صورت می‌گرفت» [۵] ۲- مراقبت شدیدی که در پیرامون امام (ع) در جریان بود و فشار و شکنجه و تعقیب نسبت به اصحاب و بستگان و طرفداران و پیروان جنبش او (ع). [صفحه ۱۸۷] ابوالفرج اصفهانی [۶] کتابی ویژه تدوین کرد که همه ماجراها را که از رنج و عقوبت توصیف‌ناپذیر بر آنان رفته بود در آن کتاب بیان کرده و کوشش آنان را به منظور تار و مار کردن یاران امام (ع) و متوقف ساختن فعالیت حرکت امام (ع) شرح داده است. ثمره‌ی این کوشش که از طرف آنان اعمال گردید. پدید آمدن اندیشه‌های مختلف و گفتگوهای گوناگون بین شیعیان بود و برای امام صادق (ع) هیچ مجالی به دست نیامد تا صفوف شیعه و عقاید گوناگون مذهبی را که در بین آنان حاصل آمده بود متحد کند زیرا تماس با آنان دشوار بود و حکومت درباره‌ی شیعیان بسی سختگیری می‌کرد و در خشونت افراط نشان می‌داد و به

آنان عذاب‌های شدید می‌رسانید. [۷].

عناصر رستگاری جنبش

پیش از آن که در روش‌های عملی امام (ع) سخن بگوئیم می‌خواهیم علل پیروزی و نجات جنبش او را بشناسیم و شرایطی را که در عصر او پا گرفته بود بدانیم. جنبش امام (ع) در برنامه‌ریزی و هدف نهائی بر دو حقیقت که اینک شرح می‌دهیم استوار بود: نخست: بنیاد افکندن پایگاه‌های مردمی و تمرکز دادن بنای داخلی آن و نظارت در حدود رابطه‌ی مخصوص ایشان و پیروان او چندان که بتواند آن را پایگاه مرکزی قرار دهد و از خلال آن، پایگاه مزبور را تا داخل صفوف امت ادامه بخشد و آن را در پیرامون آن و در آن زمینه انتشار دهد و به عنوان تحقق بخشیدن به بزرگ‌ترین هدف که امام (ع) به ظاهر آن عمل می‌کرد، در مجرای [صفحه ۱۸۸] افکار تأثیر بگذارد [۸]. دوم: به دست آوردن اطمینان و اعتماد امت به جنبش او (ع) «پس دعوت - هر دعوتی که باشد - تا وقتی طرفدار نیازها و خواسته‌های توده‌ی مردم نباشد و آرزوهای آنان را بیان نکند لامحاله گذرگاه آن شکست است». اگر دعوت، تعبیری از آرزوها و امیدهای ملت نباشد بی‌تردید به شکست منتهی می‌گردد. از طرف دیگر، در پی دعوتی رفتن، هر چند هدف بزرگ و والاّی باشد، راهی به توفیق ندارد مگر این که از سوی مردم پشتیبانی شود و معلوم آید که مردم در پی آنند و پیروزش می‌گردانند. از این رو است که می‌بینیم دعوت عباسیان موفق گردید زیرا از شعار «الرضا من اهل البیت» استفاده ماکیاولی کردند. [۹]. پس، بنیاد کردن پایه‌های مردمی و به دست آوردن اطمینان امت دو شرط اساسی بود برای افزودن به حمایت از فعالیت امام (ع) و دور نگاهداشتن جنبش او از کوشش‌ها و احتمالاتی که در بر گیرنده‌ی امور غیر اصیل بود و به نفع حکومت تمام می‌شد. خلاصه، حمایت امت، مجالی برای نفوذ عباسیان و غیر عباسیان باقی نمی‌گذاشت. بر اساس این دو حقیقت، امام (ع) به دو شکل فعالیت مبادرت فرمود: اول: فعالیت‌های جنبشی. و منظور ما از آن، رابطه‌های هماهنگ با قوای امت - قوای خارجی - است و این معنی در دو زمینه قابل عمل بود. الف: توجیه کردن عواطف امت با برنامه‌ی اهل بیت. ب: کوشیدن به این منظور که به ملت، قدرت معنوی داده شود تا از نظر آگاهی به سطحی برسد که هدف اسلام ایجاب می‌کند. [صفحه ۱۸۹] دوم: کارهای زیربنائی که شامل پایگاه‌های مردمی و گوناگون و آگاه بود که مسئولیت‌های آن پایگاهها را بر عهده گیرد و با امام در زمینه‌های نظارت و عمل منظم و اجراء رابطه داشته باشد. «بر این پایه، برخی از نصوص مروی از امام (ع) در باب تعلیم و آموزش روش‌های خود برای مردمی که امام بر آن‌ها نظارت داشت عملی می‌گردد. روش‌های مزبور نسبت به وضع شیعیان و مشکلاتی که با آن روبرو بودند و اوضاع اجتماعی‌شان را محدود می‌کرد، گوناگون بود». از این روی نمی‌توان کارهای امام را از امور جنبشی و زیربنائی یا سازماندهی او در داخل پایگاه‌های مردمی یا گروه‌هائی که با او ارتباط داشتند جدا کرد.

امام صادق در برنامه‌ی اصلاحی

امام (ع) عمل دگرگون‌سازی و اصلاحی خود را به دو شکل از شکل‌های عمل به طور مستقیم انجام می‌داد: ۱- فعالیت و کوشش که شامل روابط هماهنگی و امکان‌های امت بود. فعالیت وی (ع) آشکارا بود، چه انتقال قدرت که پس از زوال حکومت بنی‌امیه مستقیماً روی داده بود، امام را از خشم و حمله‌ی فرمانروایان و مراقبت شدید آنان در امناگاه نگاه داشت، نیز روی آوردن مسلمانان به فقیهان و دانشمندان برای شناختن قانون اسلامی در حل مشکلات فردی و اجتماعی آنان، امام را از فشارهای دولت مصون می‌داشت. این عوامل و جز آن، به امام (ع) یاری می‌کرد تا کار خود را با روش علنی و ظاهری ادامه دهد بی‌آن که فعالیت آشکار خود را با عمل سیاسی بی‌پرده همراه کند. بلکه، امام (ع) فعالیت و کوشش خود را با مساعی عملی سخت کوشانه آغاز و حوزه‌ی فکری و ثمربخش خویش را که بزرگان فقها و متفکران عظیم از آن بیرون آمدند. در صفوف امت، افتتاح کرد، و پس از او، از

شاگردان مکتب ایشان، ثروتی فرهنگی برای امت بر جای ماند. [صفحه ۱۹۰] بعضی از شاگردان نامی آن بزرگوار عبارت بودند از: «هشام بن حکم» و «مؤمن الطاق» و «محمد بن مسلم» و «زراره بن اعین» و غیر آنان که جانشین وی گردیدند. «حرکت علمی او آن سان گسترش یافت که سراسر مناطق اسلامی را در بر گرفت» [۱۰] و «مردم از علم او چیزها می‌گفتند و شهرت او در همه‌ی شهرها پیچیده بود» [۱۱]. جاحظ در مورد امام گوید: «امام صادق (ع) چشمه‌های دانش و حکمت را در روی زمین شکافت و برای مردم درهایی از دانش گشود که پیش از او معهود نبود و جهان از دانش وی سرشار گردید» [۱۲]. هدف امام در پشت روش علنی او و ظهور فعالیت علمی و فکری او، چاره‌ی جهل امت از جهت عقیده به مکتب و نظام آن بود، و ایستادگی در برابر امواج کفرآمیز و شبهه‌های گمراه‌کننده‌ی آن و حل مشکل‌هایی که از تأثیر انحراف ناشی شده بود. فعالیت‌های امام در زمینه‌ی علمی بود و با دو روش تحقق یافت. روش ویرانگری: این روش در ایستادگی قاطعانه‌ای بود در برابر شبهه‌های غرض‌آلود در عقاید و نظریات دینی که از لحاظ اغراض سیاسی به منظور از بین بردن روح حقیقی اسلام و کشتن آن در توده‌های مردم، عمل می‌شد. روش ایشان در این ویرانگری پی‌آمد اعمال زیر بود: مقابله با امواج ناشناخته و فاسد که اوضاع سیاسی فاسد عهد امویان و عباسیان آن را به وجود آورده بود و از طرفی معلول کشمکش‌های مذهبی و قبیله‌ای و قومی در دو دوره‌ی فوق‌الذکر بود. و از طرفی دیگر در نتیجه‌ی فکر بیگانگان، از راه ترجمه یکتا‌های یونانی و فارسی و هندی از جهت پدید آمدن گروه‌های [صفحه ۱۹۱] خطرناک منجمه گروه‌های «غلات» و «زندیقان» و «جاعلان حدیث» و «اهل رأی و متصوفه»، زمینه‌های مساعد برای رشد انحراف حاصل کرد. امام صادق (ع) در برابر آن‌ها ایستادگی فرمود و در سطح علمی، با همه مشاجره و مباحثه کرد و خط افکارشان را برای ملت اسلام افشا نمود. [۱۳]

روش بنیادی

این روش با کوشش علمی و فکری خستگی‌ناپذیر در زمینه‌های فکری اسلامی و تعمیق مبادی و احکام آن شکل گرفت. اقدام مستقیم امام (ع) از این جنبه به شکل زیر خلاصه می‌گردد: - مفاهیم عقیدتی و احکام شریعت را منتشر ساخت و آگاهی علمی را پراکند و توده‌های عظیم دانشمندان را به منظور بر پای داشتن آموزش مسلمانان مجهز کرد. امام در عصر خود بزرگترین آموزشگاه اسلامی را گشود و یثرب را که سرای هجرت بود و مهبط وحی، مرکز آموزشگاه خود قرار داد و مسجد پیامبر (ص) را محل تدریس خویش کرد، بطوری که همه‌ی فنون در آن تدریس می‌شد. [۱۴] از جمله شاگردان آن امام بزرگوار (ع)، پیشوایان مذاهب معروف اسلام مانند «مالک بن انس» و «سفیان ثوری» و «ابن عیینه» و «ابوحنیفه» و از قبیل «محمد بن حسن شیبانی» و «یحیی بن سعید» و غیر از آنان از دانشمندان و محدثان و فقیهان مانند «ایوب سجستانی» و «شعبه بن حجاج» و «عبدالملک بن جریح» و دیگران بودند [۱۵]. [صفحه ۱۹۲] مجموع شاگردان امام (ع) بالغ بر چهار هزار تن بود. - او باب علم را در فلسفه و علم کلام و ریاضیات و شیمی گشود. «مفضل بن عمرو» و «مؤمن الطاق» و «هشام بن حکم» و «هشام بن سالم» در فلسفه و علم کلام تخصص داشتند و «جابر بن حیان» در ریاضیات و شیمی، و «زراره» و «محمد بن مسلم» و «جمیل بن دراج» و «حمران بن اعین» و «ابی بصیر» و «عبدالله بن سنان» در فقه و اصول و تفسیر متخصص بودند. [۱۶]. برای اصول و فقه قواعدی وضع فرمود تا شاگردان خود را با ملکه اجتهاد و استنباط آشنا و تربیت کند و از جمله قواعد اصولی که حضرتش بنا نهاد قاعده‌ی «برائت» و «تمییز» و «استصحاب» است و از قواعد فقهی، قاعده‌ی «فراغ» و «تجاوز» و «ید» و «ضمنان» [۱۷]. هدف امام از این کار سه امر مهم بود: الف- یکی این بود که برای تشریح اسلامی قاعده‌ای استوار بنا کند و برای عقیده‌ی اسلامی تمرکزی نیرومند ایجاد نماید و استمرار و بقای اسلام را در میان امواج گوناگون تضمین فرماید. ب- مفاهیم خطا و احادیث جعلی را اصلاح کند. ج- برای مرجعیت خود از جنبه‌ی علمی و فقهی تمرکز و توضیح دهد و امامت خود را از این جنبه فریضه سازد. آن سان که بزرگان علمای سایر مذاهب اسلامی جز اعتراف به

برتری و مرجعیت او (ع) کاری نتواند کرد و مانند اعتراف ابوحنیفه بر این امر که گفت: «فقیه‌تر از جعفر بن محمد ندیده‌ام و این وقتی بود که منصور خلیفه به من گفت: ای ابوحنیفه، مردم، شیفته‌ی جعفر بن محمد شده‌اند، مسائل دشوار تهیه کن تا از او پرسسی. من چهل مسأله برای پرسش از او آماده [صفحه ۱۹۳] کردم و ابو جعفر منصور فرستاده‌ای به سوی من فرستاد تا بر او وارد شدم و جعفر بن محمد برطرف راست او نشسته بود. وقتی به او (ع) چشم انداختم از هیبت وی احساسی به من دست داد که از ابو جعفر منصور چنان احساسی به من دست نمی‌داد. سلام گفتم و اشارت کرد که بنشینم. سپس به من گفت ای ابوحنیفه مسائل خود را در محضر ابو عبدالله مطرح کن. سپس مسائل خود را در او مطرح کردم. ایشان پاسخ مرا می‌گفت و به دنبال آن می‌فرمود: شما چنین می‌گوئید و اهل مدینه چنان می‌گویند و ما چنین گوئیم. بسا که آنان از ما پیروی کنند و بسا که از آن دسته پیروی کنند و بسا که با ما مخالفت ورزند. بالاخره چهل مسأله را گفتم و او یک مسأله را بی‌جواب نگذاشت. ابوحنیفه ادامه داد: آگاه‌ترین مردم کسی است که به اختلاف مردم دانشمندترین مردم باشد.» [۱۸]. واضح است که اگر فعالیت‌های علمی امام (ع) در سطح معارف و در حدی که از آن سخن گفتیم نبود، به امامت او اعتراف نمی‌کردند [۱۹]. امام صادق (ع) با هر دو روش خود یعنی بنیاد گذاردن و ویرانگری، برای تثبیت دعوت اسلامی محیطی مناسب به وجود آورد و امکان نبرد به آن داد تا به سایر مراحل عمل منتقل گردد، و بسا که در روش و شکل آن‌ها اختلاف وجود داشت. اما کارهای بنیادی او (ع) مشتمل بر فعالیت‌های ایشان برای دگرگون سازی محیط تحت نظارت، و رعایت او نسبت به توده‌ای که به او ارتباط داشت، و نظم دادن به آن فعالیت‌ها بود. شکل کار صورت سری داشت که در اصطلاح فقهی به آن «تقیه» گویند. امام (ع) می‌خواست، پس از آن که وضع اجتماعی آن سان که او احساس [صفحه ۱۹۴] می‌فرمود، اجازه‌ی ایستادگی و نرمش و تقیه دهد، با عمل سری یا تقیه در مقابل مقاومت دشمنان - تا وقتی که آن چه موجب قوام مرحله‌ی دعوت بود کمال یابد، دعوت خود را تضمین و پشتیبانی کند. یعنی عمل را با پنهان کاری ادامه دهد و همانا که اعمال و فعالیت‌های بنیانی او (ع) در درجه‌ی نخستین، مسائل حوزه‌ی شیعه با ملاحظه ارتباطی که با امام داشتند بود. از موجودیت شیعه پشتیبانی می‌شد و به آگاهی‌شان افزوده می‌گشت و با هر اسلوبی که مایه‌ی پایداری آنان و وصول‌شان به مدارج عالی تا سطح نیاز اسلامی بود به آنان مساعدت می‌گردید. [۲۰]. فعالیت‌های بنیادی امام (ع) به شرح روش‌های زیر نمودار می‌گردید: نظارت بی‌واسطه بر شیعیانش، یعنی جماعتی از دوستان و طرفداران امام و برنامه‌ریزی اصلاحی او برای روش‌های شیعیان و رشد دادن آگاهی‌شان، و حمایت از موجودیتشان، و ترقی دادن آنان تا سطح نیاز اسلامی و تا تشکیل سپاه عقیدتی، و پیشتازی‌های آگاهانه، و نظارت بر انتظام روش‌ها تا آن که اختلافات شخصی بین افراد توده‌ی شیعه حل شود و مال اندوزی از بین برود چنان که «معلی بن خنیس» در این مورد گفته است: «امام (ع) احکام خدای تعالی را در میان توده‌ی مخصوص از شیعیانش بر پای داشت. پس، مالیات را از طرفداران خود می‌ستاند و حسب شأن کار خود به مصرف می‌رسانید. منصور، بارها او را به این تهمت جلب کرد [۲۱]. امام به پیروان فرمان داد که به حاکم منحرف پناه نبرند و از داد و ستد و همکاری با او خودداری کنند. امام (ع) در این زمینه می‌فرماید: «هر مؤمنی که به قاضی یا سلطان ستمگر شکایت برد و به غیر از حکم خدا [صفحه ۱۹۵] درباره‌ی او دادرسی شود، در این گناه با او شریک است». و باز امام (ع) می‌فرماید: «هر کس بین او و برادرش در چیزی اختلاف باشد و کسی که یکی از برادران خود را دعوت کند تا میان آنان حکومت نماید، و آن کس از رسیدگی به مرافعه‌ی آنان خودداری ورزد، به منزله‌ی کسانی‌اند که خدای تعالی درباره‌ی آنان فرماید: «الم تر الی الذین یزعمون انهم امنوا بما انزل الیک و ما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکمو الی الطاغوت و قد امروا ان یکفروا به» [۲۲]. (آیا به کسانی نمی‌نگری که می‌پندارند به آن چه بر تو فرو آورده‌ایم و به آن چه پیش از تو نازل کرده‌ایم ایمان دارند. نمی‌خواهند به نزد طاغوت به محاکمه روند همانا که به آنان فرمان داده شده است که از این کار سرباز زنند). امام به پیروان فرمان داده بود که با حکومت منحرف پیوند ببرند و در این باب چنین می‌فرماید: «به آنان در ساختن مسجد یاری مکنید» [۲۳]. و از نظر فرمان‌های منفی و سلبی، قواعد آن را توضیح داده است. «از

حکم دادن پرهیزید، چه، حکم دادن از وظایف امام است که به قضا عالم باشد و در میان مسلمانان به عدالت حکم کند مانند نبی و وصی». از این رو است که امام (ع) در حکومت کردن به حق خویش تأکید می‌فرماید و وجهی نظر خود را درباره‌ی اوضاع تثبیت می‌نماید و موفق می‌گردد که اصحاب خویش را از آمیختن با وضع موجود یا تحت تأثیر آن قرار گرفتن حفظ کند و با این کار که تعبیه کرده بود، آنان را بر ضد وضع موجود برانگیخت. این [صفحه ۱۹۶] روش برای بنیاد گذاردن نسبت به شیعیان اسلوبی بود و برای ویرانگری نسبت به حکومت موجود، اسلوبی دیگر. نظارت امام (ع) در اداره کردن اوضاع و پایگاه‌ها به این منجر گردید که قضاتی بگمارد و به شیعیان فرمان دهد که در اختلاف‌های خود به آن قضات مراجعه کنند و به فرمان آنان گردن نهند. امام (ع) فرمود: «بنگرید تا در میان شما کیست که از دستورهای ما چیزی می‌داند، او را در میان خود به سمت قاضی بنشانید که من او را بدین سمت برمی‌گزینم و شما حکم خود را به نزد او برید» [۲۴]. امام (ع) به اصحاب و پایگاه‌های خود سفارش می‌کرد که در هر کار، مخفیانه عمل کنند، (تقیه) و در هر عملی که انجام می‌دهند توجه کامل داشته باشند که مخالفان و دشمنان نشان متوجه‌ی آن نشوند و می‌گفت: «مبلغان خاموش ما باشید». و به عبدالله بن جنذب سفارش فرمود: «خدا، قومی را که چراغند و سرچشمه‌ی روشنائی، رحمت فرماید. برای ما با اعمال خود دعوت کنندگان باشید و کمال سعی و کوشش را به جای آورید، نه مانند کسانی که اسرار ما را فاش می‌سازند». و به معلی بن خنیس وصیت فرمود: «ای معلی امر ما را پنهان دار و هرگز آشکار مکن» [۲۵]. در تحف العقول چنان آمده است که امام (ع) به محمد بن نعمان احوال سفارش کرد که کار به پنهانی کند و به تقیه ملتزم باشد. اگر اخلاص بعضی از صحابه‌ی او در افشای اسرار نبود و مطالبی را که نمی‌خواستند فاش گردد پنهان نگاه می‌داشتند، چیزی نمانده بود که کوشش‌های امام (ع) به نتیجه رسد. از سخنان امام (ع) است که فرمود: «هر کس سر ما را بپراکند مانند [صفحه ۱۹۷] کسی است که به روی ما شمشیر کشد. خدای رحمت کند بنده‌ای را که مکنون علم ما را می‌داند و آن را در زیر پای خود به خاک می‌سپارد... ای نعمان من با فردی از شما چیزی می‌گویم، اگر از قول من نقل کند، با این کار برای خود لعنت مرا خریده است و من نیز از او بری هستم. پدرم فرمود چه چیز تحملش سخت‌تر از تقیه است. تقیه سپر مؤمن است. و اگر تقیه نباشد خدای پرستیده نشود. ای پسر نعمان کسی که اسرار ما را بر ملا می‌سازد مانند کسی است که با شمشیر خود ما را به قتل برساند بلکه گناه او بزرگتر است. ای پسر نعمان... مشتاید، به خدا سوگند که این کار سه بار پیش آمد، آن را منتشر ساختند و خدا آن را به تأخیر انداخت. به خدا سوگند که هیچ سری ندارید مگر که دشمنانتان از شما به آن دانانند». ای پسر نعمان، بنده، مؤمن محسوب نمی‌گردد مگر که سه سنت را رعایت کند: سنت خدا و سنت رسول الله و سنت امام را. اما سنت خدای عزوجل این است که اسرار ما را بپوشاند» [۲۶]. این عمل نسبت به همه‌ی اهل بیت (ع) استمرار یافت و دولت وقت اساساً به وجود آن آگاهی داشت اما حدود آن و چگونگی خطر آن را نمی‌دانست. از این جا بود که امام (ع) و پیش از او پدران بزرگوارش در معرض پی‌جوئی و مراقبت و شکنجه بودند و اگر امام (ع) با خرد و حکمت و حسن رفتار خود از دست منصور رها نشده بود، بارها پیش آمده بود که نزدیک بود منصور خلیفه، امام (ع) را با سخت‌ترین طریقی صدمه رساند. [۲۷]. امام، جنبش‌های رهائی بخش انقلابی را تأیید می‌فرمود تا خیر و وجدان [صفحه ۱۹۸] امت اسلام و اراده‌ی آنان را برانگیزد و آن را به درجه‌ای حفظ کند که حیات و صلابت امت را در مقابل سیر نزولی شخصیت و کرامت انسانی حاکمان منحرف، مصون بدارد. این کار را انقلابیون علوی بر عهده داشتند و با فداکاری‌های بی‌حاصل و یأس‌آور خود کوشیدند تا ضمیر و وجدان اسلامی را محفوظ بدارند و از کسانی که به آنان یعنی به پیشوایان (ع) وفادار بودند، پشتیبانی کنند. در روایتی آمده است که در محضر امام صادق (ع) از شخصی از آل محمد (ص) گفتگو می‌کردند که قیام خواهد کرد. ایشان فرمود: «پیوسته من و شیعیان من به کسی از آل محمد که خروج کند دل بسته‌ایم. دوست می‌دارم که کسی از آل محمد (ص) خروج کند و نفقه‌ی عیال او بر عهده‌ی من باشد» [۲۸]. امام علی بن موسی الرضا (ع) به نزد مأمون از زید بن علی شهید صحبت می‌کرد که: «او از علمای آل محمد (ص) بود و در راه و انعکاس خشم الهی بود و با دشمنان خداوند مجاهدت کرد تا در

آن طریق به شهادت رسید. امام ادامه داد که: ابوموسی بن جعفر نقل کرد که از پدرش جعفر بن محمد شنیده بود که گفت: خداوند عموم زید را رحمت کند او مردم را به سوی «الرضا از آل محمد» دعوت می‌کرد و اگر پیروز می‌گردید در پیشگاه خدا عهد خود را وفا می‌نمود که گفت: شما را به «الرضا از آل محمد» دعوت می‌کنم» [۲۹]. امام صادق (ع) مردم را بر آن می‌داشت تا در شورش‌هایی که زید بر ضد دولت امویان کرده بود پشتیبان زید باشند. هنگامی که خبر قتل زید به او رسید بسیار ناراحت شد و اندوهی عمیق بر او دست داد و از مال خود به عیال هر کس از یاران زید که با او در آن واقعه آسیب دیده بودند هزار دینار داد. [۳۰]. [صفحه ۱۹۹] هنگامی که جنبش بنی‌الحسن (ع) شکست خورد، امام را اندوه فرا گرفت و سخت بگریست و مردم را مسئول کوتاهی در برابر آن جنبش دانست. ابن عمر کنندی گوید: «بر ابوعبدالله (ع) وارد شدم، به من فرمود: آیا از حادثه‌ی آل حسن آگاهی؟ خبر آن به ما رسیده است و دوست نمی‌دارم آن را دوباره باز گویم. آن گاه گفتم: امیدواریم که خدای بزرگ آنان را در عافیت نگاه دارد. آنگاه آن بزرگوار فرمود: اما عافیت کجاست؟ سپس گریست چندان که به گریه صدا بلند کرد و ما نیز گریستیم» [۳۱]. «اینک این ستایش امام از کسانی که به کار آن جنبش‌ها برخاسته بودند و آن اندوه و آن گریه و زاری بر آنان، ممکن نبود با نظر امام (ع) و اصحاب ایشان وفق دهد مگر آن که جنبش زید به طریقی به آن‌ها مربوط می‌شد، و زید فقط به منظور کسب قدرت و انتزاع خلافت از حکام وقت، به نفع خاندان پیامبر کار می‌کرد. اگر زید دعوت را برای شخص خود به عمل می‌آورد، خود را در عرض امامت قرار داده بود. در چنین صورتی نه ستودن او جایز بود نه گریه بر او. به این ترتیب حساب آنان با حساب دیگران از بنی‌امیه یا بنی‌عباس از غاصبان خلافت تفاوتی نمی‌داشت.

امام و رد پیشنهادهای نظامی

در فصل سابق از حقیقتی مهم سخن گفتیم و آن این بود که تحقق یافتن پیروزی قاطع امام (ع)، مرهون نجات یافتن عمل دگرگون‌سازی او در زمینه‌ی بنا کردن توده‌هایی بود که به رهبری معصومان و پر ایمان وی ارتباط داشت و همچنین به نظریه‌ی وی در حکومت مرتبط می‌گردید. در همان هنگام این حقیقت [صفحه ۲۰۰] که می‌گوید: اندیشه‌ی استیلائی مسلحانه‌ی سیاسی قضیه‌ای بود که اگر هم شکست آن محرز نبود، با این همه نتایج آن تضمین شده نبود، بعید می‌دانستیم. از این رو امام حاضر نشد حتی یک لحظه در چنان کشمکش‌های داخلی شود. در پرتو این حقیقت می‌توان به تفسیر باز گفت که چرا امام (ع) از چنین پیشنهاد نظامی خودداری کرد و به علت عواملی که در جنبش او وجود داشت حاضر نشد سازش سیاسی کند، نیز حاضر نشد از دیگران استفاده‌ی ماکیاولی نماید و الا- دست کم برنامه‌ای که امام برای مرحله‌ی عمل تنظیم کرده بود که با وضع اجتماعی و زیستی امت هماهنگ شود و با واقعیت عمل دگرگون‌سازی و سرنوشت‌سازی ارتباط داشته باشد، تحریف و دستکاری می‌شد. پس برنامه‌های امامان علیهم‌السلام در عهده‌دار شدن دگرگون‌سازی اجتماع هیچگاه برنامه ماجراجویانه نبوده است که به میل خاطر و از روی بلندپروازی تنظیم شده باشد. بلکه همه‌ی برنامه‌های دگرگون‌سازی آنان بر پایه‌های علمی و موضوعی واضح بنا شده بود. اموری که برای امام (ع) امکان داشت و اوضاع فکری و سیاسی عموم که او را واداشت تا همه‌ی پیشنهادهای نظامی و مسلحانه و سازش‌های سیاسی را رد کند، به کار امام از درون ضربه می‌زد، و حرکت او را هر وقت اراده می‌کردند در نطفه خفه می‌نمودند بخصوص که آغاز کارش بود. عباسیان وقتی موفق شدند تا نظام حکومت اموی را زیر و رو کنند که شعار «رضا از آل محمد» را ندا در دادند و از آن استفاده‌ی ماکیاولی کردند تا عواطف علویان و پایگاه‌های مردمی آن را جذب کنند، و آن به این اعتبار بود که از طرفی اهل بیت نمودار قوی‌ترین حزب بودند که با سیاست امویان معارضه داشت و از طرف دیگر مسأله‌ی عدالت اجتماعی را بر عهده گرفته بودند [۳۲]. [صفحه ۲۰۱] «و هیچ گاه به امویان که حکومت را غصب کرده بودند تسلیم نشدند و اظهار اخلاص و مهرشان به «آل محمد (ص) و پیوندشان با آنان فقط تبلیغات بود تا عاطفه‌ی مردم را به خود جلب کنند» [۳۳] «چنان که مبلغان

عباسیان که می‌کوشیدند همه‌ی شیعیان علوی را به صفوف خود جلب کنند، قصد اصلی خود را آشکار کردند و آن واژگون ساختن حکومت اموی بود. اما کوشش خود را برای به دست آوردن خلافت پنهان داشتند و از هر گونه تظاهری که حکایت کند برای گرفتن مقام علویان قیام کرده‌اند، خودداری ورزیدند بلکه چنین می‌گفتند که به خونخواهی شهیدان علوی قیام کرده‌اند. «در آغاز شایسته چنان است که به این نکته اشارت کنیم که خاندان عباسیان اصول تبلیغ دعوت را پایه‌گذاری نکردند و بذر آن را نکاشتند بلکه فقط شرایط بود که آن خاندان را به سوی رهبری یک نظام سری و استوار سوق داد و همه‌ی دستگاه‌ها و مبلغان آن‌ها آماده‌ی این کار بودند. پس میوه‌هایی را چیدند که عموزادگان علوی‌شان کاشته بودند و بر امواج عظیم انقلاب سوار شدند و از کسانی که سخت‌ترین محنت را تحمل کردند تا آن نظام سری استوار را به وجود آورند، روی گرداندند [۳۴]. عباسیان حقیقت عواطف علویان را ادراک کرده بودند و شعاری دلخواه و پاکیزه را در نظر گرفتند و طرح کردند و برای «رضا از آل محمد» تبلیغ نمودند. این شعار شعاری مبهم بود که حق امامت را ثابت می‌کرد و از اختلاف حفظشان می‌نمود و از اختلاف و تفرقه و گرفتاری‌هایی‌شان می‌داد. اگر دعوت و تبلیغ را به خاندان خود منحصر می‌کردند و هر چه در دل داشتند آشکارا می‌گفتند، البته در این صورت خاندان علوی و مبلغان مخلص آنان علیه آنها می‌شوریدند. به علاوه توده‌های مردم که شیفته‌ی فضایل اولاد علی و فاطمه (ع) بودند نیز بر ضد [صفحه ۲۰۲] آنان قیام می‌کردند. ابومسلم خراسانی به امام صادق (ع) نامه‌ای نوشت و در نامه این مطلب را قید کرد که: «من مردم را از دوستی بنی‌امیه به دوستی اهل بیت دعوت کردم و تبلیغ نمودم که بنی‌امیه را ترک کنند و به اهل بیت پیوندند، پس اگر می‌پذیری کاری دیگر بر عهده‌ی تو نیست...» [۳۵]. اینک بنگر که امام (ع) در پاسخ او چه نوشت و خطاب به خراسانی چه فرمود: «نه تو از مردان منی نه زمان، زمان من است» [۳۶] با این واکنش امام (ع)، برای ما روشن می‌شود که انگیزه‌ی او در رد کردن پیشنهاد آن بود که به عدم صداقت گوینده علم داشت. از جمله‌ی «تو از مردم من نیستی» به این مطلب پی می‌بریم و جمله‌ی «نه زمان زمان من است» به معرفت امام (ع) به عدم وجود نیروی کافی برای قبضه کردن حکومت آگاه می‌شویم. پس از آن که کوشش‌های عباسیان در مورد امام (ع) با شکست روبرو گردید، چنین اندیشیدند که با همان مضامین مکتب، گروه دیگر علویان را برانگیزند و منظورشان این بود که برای به دست آوردن حکومت و نیز به دست آوردن احساس و عواطف توده‌های مردم از مراکز علوی استفاده کنند. پس به عمرالاشرف بن زین‌العابدین نامه فرستادند اما او نیز با دعوت آنان مخالفت کرد. سپس برای عبدالله بن حسن نامه نوشتند و او تقاضایشان را پذیرفت. سپس جعفر صادق (ع) او را از این کار بازداشت و متوجه عاقبت کار کرد اما او نپذیرفت. یعقوبی در تاریخ خود نوشته است که عبدالله بن حسن گفت: «من شیخی سالخورده‌ام و فرزندم محمد - ذوالنفس الزکیه - به این امر اولی است» و [صفحه ۲۰۳] جماعتی از عباسیان را به نزد او فرستاد و گفت با فرزندم بیعت کنید» [۳۷]. جهشیاری آورده است که: «امام صادق (ع) به عبدالله بن حسن نصیحت کرد که دعوت بنی‌عباس را نپذیرد و به او گفت: ای ابومحمد از چه هنگام اهل خراسان شیعیان تو گردیده‌اند؟ تو ابومسلم را به خراسان فرستادی؟ و تو به او فرمان دادی که جامه‌ی سیاه بپوشد؟ و اینان که وارد عراق شدند، تو سبب آمدنشان شدی؟ یا موجب سرازیر شدنشان به آن جا گردیدی؟ آیا احدی از آنان را می‌شناسی؟» [۳۸]. امام از مجاری امور آگاه بود و به شرایط و اوضاع احاطه داشت و از آن رو می‌دانست که خلافت عباسی مسجل است و هنگامی که عبدالله بن حسن نزد او رفت به او گفت: دولت بر این قوم مسجل و مقرر است. این دولت به هیچ یک از آل ابوطالب نخواهد رسید. کوشش دوم از طرف ابوسلمه‌ی خلال بود و او یکی از نقیبان دولت عباسی و عضو فعال در رهبری انقلابی عباسیان بود. او رسولی نزد امام فرستاد که: «برای دعوت مردم به او و راندن بنی‌عباس آماده است». اما پاسخ امام به او چنین بود: «مرا به ابوسلمه چکار، ابوسلمه شیعه‌ی دیگری است». فرستاده‌ی ابوسلمه گفت: من به رسالت آمده‌ام. پس ابوعبدالله چراغ طلبد، آن گاه نامه‌ی ابوسلمه را برداشت و زیر شعله نگاه داشت تا نامه بسوخت و به فرستاده‌ی او گفت: «از آن چه دیدی صاحب خود را آگاه کن» [۳۹]. از این مطلب می‌فهمیم، ادعای کسانی که می‌پندارند عمل امام در رد کردن حکومت با وجود

مناسب بودن اوضاع و شرایط یعنی کنار گذاشتن جنبه‌ی [صفحه ۲۰۴] سیاسی رهبری با وجود هماهنگی شرایط، از طرف امام، اشتباه بوده است، به خطاست. زیرا این رد کردن حکومت، خود شکلی از اشکال عمل سیاسی بود که شرایط موضوعی را برای او محدود می‌کرد. خلاصه آن که نفس عدم قبول حکومت، کاری سیاسی را نشان می‌دهد. امام (ع) از در دست گرفتن حکومت خودداری فرمود و این کار را به وقتی موکول کرد که نقش دگرگون‌سازی امت را ایفا کند و در مجرای افکار امت تأثیر گذارد و در رویدادهای مهم برابر امت نفوذ کند و انحراف‌های گوناگونی را که واقعیت سیاسی و اجتماعی به وجود آورده بود تصحیح نماید. آن گاه در داخل امت عهده‌دار تجدید بنا شود و امت را آماده سازد تا در سطحی درآید که بتواند حکومتی را که خود می‌خواهد، به وجود آورد.

پاورقی

- [۱] دائرة المعارف - دوران پیشوایان - از صدر.
- [۲] کافی کلینی، ج ۲ ص ۲۴۲.
- [۳] بحث در ولایت از صدر.
- [۴] دولت عربی از ولهاوزن، ص ۴۸۹.
- [۵] ریشه‌های تاریخی شعوبیه، ص ۴۱.
- [۶] مقاتل الطالبین از اصفهانی.
- [۷] عقاید زیدیه نقل از زندگی امام موسی الکاظم از قریشی.
- [۸] مجله‌ی نجف، نقش امام صادق (ع) از عدنان البکاء.
- [۹] جنبش‌های سری، ص ۶۱.
- [۱۰] تاریخ عرب از سید امیرعلی ص ۱۷۹.
- [۱۱] صواعق المحرقة از ابن هجر ص ۱۲۰.
- [۱۲] رسایل جاحظ از سند و بی ص ۱۰۶.
- [۱۳] مجله نجف، نقش امام صادق.
- [۱۴] زندگی امام موسی از قریشی ص ۷۶.
- [۱۵] امام صادق و مذاهب چهارگانه - اسد حیدر ج ۳ ص ۲۷ - ۲۸ - ۴۶.
- [۱۶] مدرک سابق.
- [۱۷] امام صادق (ع) از مظفر ج ۱ ص ۱۵۷.
- [۱۸] امام صادق (ع) و مذاهب اربعه. اسد حیدر ج ۴ ص ۹۳ - ۹۲.
- [۱۹] مجله نجف البکاء ص ۲۴.
- [۲۰] دائرة المعارف، نقش امامان علیهم السلام - صدر.
- [۲۱] مجله نجف، البکاء ص ۲۲.
- [۲۲] من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۴.
- [۲۳] کسب‌های حرام از امام خمینی ج ۲ ص ۱۰۲ از وسائل و نیز کتاب تجارت ص ۴۲.
- [۲۴] فقه امام صادق (ع) از محمد جواد مغنیه ص ۷۱.

- [۲۵] وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۴۵.
- [۲۶] تحف العقول از ابن شعبه ص ۲۲۱.
- [۲۷] مجله‌ی نجف - البکاء ص ۲۳.
- [۲۸] بحث در ولایت. نقل از سرائر ابن ادریس.
- [۲۹] اعیان الشیعه جلد ۳۳ ص ۷۳.
- [۳۰] اعیان الشیعه ج ۳۳ ص ۱۱۳ نقل از ارشاد شیخ مفید.
- [۳۱] بحار الانوار ج ۴۷ ص ۳۰۲.
- [۳۲] جنبش‌های سری ص ۶۷.
- [۳۳] محاضرات در تاریخ اسلامی، ج ۳ ص ۲۲.
- [۳۴] جنبش‌های سری ص ۶۶.
- [۳۵] ملل و نحل شهرستانی ج ۱ ص ۲۴۱.
- [۳۶] مدرک سابق.
- [۳۷] محاضرات در تاریخ اسلامی ص ۶۷.
- [۳۸] مدرک سابق.
- [۳۹] مروج الذهب مسعودی ج ۳ ص ۲۵۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۰۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

